

الظهر من يوم الازعه السابع من شهر جمادى الاخر سنه ستين وثمانماية
 خواج عبدالله ادا الله تعالى برکات و جوده على مفارق الطالبين
 امروز مظهر کرامت و مجسم کرامات و ولایات طبقه خواجگان و رابطه
 الیها و واسطه انتظام سلسله شریفه ایشان قدس الله تعالی احوالهم
 حضرت خواجه و مخلصان و نیازمندان ایشان اندامید واری چنانست که برکت
 وجود شریف ایشان التیما و انظار سلسله الی غیره القیام امتداد یابد
 هر چند از غیره امثال این سخنان صورت گشت استی دارد اما چندانکه با خود
 اندیشه کرده از خود در زیافتیم که خاطر بران قرار نم دارد که این مجموعی که مقصود
 اینجگ ذکر معارف و نشر ساقی این طایفه است از ذکر ایشان حال باشد لاجرم
 شرح مناسبات و احوال این سلسله شریفه را ب بعضی نکلمات قدسیه که رقم
 زده خا مه معارف نگار ایشان شده است مسکته الحما مکرر اندید بدت
 و نه شدن دل از غیر جو سنجانه و تعالی دلیل است و مظهر تبت دل بر تجلی حق سبحانه
 بوصف احدیت که نیل معارف بحق اوسما و صفات فی این معنی سعادت است
 چه قابلیت قبول عکس انوار تجلیات ذات بی تهی شدن از لقا تبه هر چه صمت
 جدوت یافته است مبرکت نهی شدن دل موقوف فاشاره است بر تجلیات
 بوصف احدیت حصول این معنی را بعد از تحقیق با ایمان بالله و برسواله و بما
 من عند الله و من عند رسول الله علی مراد الله و علم برادر رسول الله است

مراد تبهی شدن دل آشت که غیر بطریق
 مزاجت در نیاید که شعور غیر قائم
 و اگر این حاصل شود بر سبیل بدت
 کالبرقی مخالفت بگذرد چه

از اتحاد ریاضات که شریعت از اخذ آن منع نکرده است و دواه ذکر شرط و ملا
 مذکور بوصف آنکس را خضوع کمال متابعت رسول صلی الله علیه و سلم
 لیکن هیچ سببی در تحصیل این نسبت قوی تر از آن نیست که بصدق و نیا تمام
 بجاست با جماعتی لازم وقت خود کردا که باطن ایشان مظهر این تجلیات
 باشد و بسطوا تیا نتجلی حسابان وجود غیر از پیش بصیرت ایشان را داشته
 و از شهود جبری بشما آید گشته و بعضا حقیقی از رحمت شعور بخود و غیر
 خود خلاص گشته بعد از تحقیق بعضا حتی سنجانه ایشان از ز خود بوجود
 موهوب حقیقی مشرف گردانیده از بخودی و سکر حال یافت بافته دیگر
 واسطه حصول سعادت حقیقیه که عبادت از فنا و بقا است شده درین
 مقاه هیچ چیز امکان است ایشان را از شهود حتی سنجانه محجب نتواند که باشد
 پس واجب را یکی آنکه در تخلص ذکر قاری دل بوجود احوال که بحقیقت
 مجاب عبادت ازین گرفتاریست با شیبای که سبب خلاصی شود نمسک نبوده
 خود را بپشوا ز مردن خلاص گردانند اگر مناسب استعداد خود استغنا
 بگردد با تنه تقصیر و اهنمال در خود مجال ندهند و اگر در خود استعداد آن
 دانند که بصعبیت از باب شهود دل ذکر قاری زودتر خلاصی شود خود را
 بصعبیت این بر گردیدگان بنسکاه داشته آداب بصعبیت از زمان خلاصی
 دل ذکر قاری بغرض تحقیقت زمان وصول و شهود با ست چون دل از تراجعت

لطفاً در این متن دقت کنید
 حقیقی شعور و معرفت از این است
 جمیع